

پیش از این‌ها برایم او بودن
 دلم از یأس و انزوا لبریز
 یاد دادی به من که سبز شوم
 ی یاد دادی که می‌شود او شد
 بارها بعد بارش سخت
 اگر از ما به دوست، دوست تری!
 مثل یک قصه‌ی خیالی بود
 دست‌هایم عجیب، خالی بود
 بشکنم بشکفم میان چمن
 فقط اما به حذف من از من!
 سر زده از دو دست، یاس دعا
 آه ای دوست! التماس دعا
 (نگارنده)

نمی‌دانم چه شد که آن "التماس دعا" جواب داد و استادان ترکیب تصمیم گرفتند که زیاد هم از مرارت تکلیف فاصله نگیریم و اسکیزی دادند با این موضوع: طراحی در می‌کده!

شب در خوابگاه، دوستانم، نمی‌دانم از کجا، ضبط صوت داغونی پیدا کردند و تا پاسی از شب پاکویدند و دست افشانند. من هم دیوان کوچکی را که صبح خریده بودم در دست گرفته، شیرجه زده بودم در غزل‌های حافظ و دنبال در می‌کده می‌گشتم تا به آن وارد شوم.

بعید می‌دانم کسی بچه‌تر از من در آن جمع بوده‌باشد و به نظر می‌رسید فقط من اسکیس را جدی گرفته‌ام! ترس از نمره و رسوایی و... به جای خود، اما ابتلا به حافظ، بعد از آن همه سال حافظ‌خوانی، نشأه‌ی نوظهوری بود که بناگاه غافلگیرم کرده بود. چنان خیمه‌ای در این غزل حافظ زده بودم که طوفان تکانم نمی‌داد:

گوهر مخزن اسرار همانست که بود حقّه مهر بدان مهر و نشانست که بود
 از صبا پرس که ما را همه شب تا دم صبح بوی زلف تو همان مونس جانست که بود
 (حافظ)

در سرتاسر آن سفر از تماشای درختها و کوه‌ها و بیابانها و بناها و البته باران، غمی زیبا به وجودم می‌وزید. آن یک هفته هر صبح در خوابگاه دانشگاه شیراز، با هراسی

^۱ پیش‌طرح یا اسکیس (به فرانسوی: esquisse به انگلیسی: Sketch) در برخی رشته‌های هنری مانند طراحی صنعتی، معماری و نقاشی و حتی طراحی وب و طراحی نرم‌افزار کاربردی موبایل (به طور کلی طراحی رابط کاربری)، به معنای طراحی سریع یا طراحی اولیه‌است. در پیش‌طرح از جزئیات صرف نظر می‌شود و کلیات موضوع به صورت غیر دقیق نشان داده می‌شود. (منبع: ویکی‌پدیا)